

# تحلیل نابرابری اجتماعی براساس متغیرهای منتخب در شهر اهواز (نمونه موردی: شهرک نفت، گلستان و حصیرآباد)

ناهید سجادیان<sup>1</sup>، مرتضی نعمتی<sup>2</sup>، علی شجاعیان<sup>3</sup>، طاهره قنواتی<sup>4\*</sup>

1- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران

2- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران

3- عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران

4- کارشناس ارشد جغرافیا، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران

دریافت: 93/7/30

پذیرش: 93/11/27

## چکیده

نابرابری اجتماعی به تفاوت‌های موجود در دسترسی به منابع مورد تقاضا در جامعه اشاره می‌کند. شهر اهواز در دهه‌های اخیر، شاهد تحولات گوناگونی بوده و به یکی از کلان‌شهرهای مهم کشور تبدیل شده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت نابرابری اجتماعی در محله‌های این شهر است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتاب‌خانه‌ای و میدانی (با کمک ابزار پرسش‌نامه) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش سرپرست خانوارهای ساکن در سه محله شهرک نفت، گلستان و حصیرآباد است. با توجه به نتایج تحقیق، از آنجایی که ساکنان محله حصیرآباد پایگاه اجتماعی و اقتصادی نازل‌تری دارند، دارای شیوه زندگی متفاوتی هستند و از مزایای اجتماعی کمتری برخوردارند. همچنین، خدمات‌رسانی به محلات سطح پایین جامعه کیفیت نامطلوبی دارد و در نتیجه، افراد این محلات در مقایسه با محلات مرفه‌تر، دسترسی کمتری به خدمات شهری دارند.

واژه‌های کلیدی: نابرابری اجتماعی، نابرابری فضایی، اهواز.

## 1- مقدمه

به لحاظ عینی، محسوس‌ترین حدود جدایی‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، در زمینه استفاده از فضا مشاهده می‌شود؛ بر همین اساس برداشتی جغرافیایی از مسئله، ضرورت

Email: tghanavati@yahoo.com

\* نویسنده مسئول مقاله:



خود را توجیه می‌کند. سنجش تفاوت‌های اجتماعی در اشغال و تسلط بر فضا در شهر یا در ناحیه از همان ضرورتی برخوردار است که اندازه‌گیری فواصل میان مجموعه‌های بزرگی از قاره‌ها (ژرژ، 1370: 14). نابرابری اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع است و خیلی از مشکلات دیگر در این معضل ریشه دارد. فقر، بدبختی و فشارهای روانی از پیامدهای جزئی و فرعی آن و فساد، تبع‌کاری و خشونت از پیامدهای اصلی آن هستند. هریک از این معضلات تهدیدی برای بقا و دوام شهر و جامعه و نظم اجتماعی آن به‌شمار می‌رود (طهماسبی، میرزایی و کامران، 1391: 78)؛ به‌طوری که در عصر حاضر، علت اصلی‌ترین بحران‌های جوامع بشری را نابرابری‌های اجتماعی و فقدان عدالت می‌دانند (مرصوصی، 1382: 1). اهمیت اثر عدالت اجتماعی و نابرابری بر کیفیت زندگی و شهرها مدت‌هاست که شناخته شده است (Ballas, 2013: 47). منظور از نابرابری اجتماعی، تفاوت در دسترسی به منابع مورد تقاضا در جامعه است که به‌طور سیستماتیک، از طریق فرایندهای اجتماعی به‌طور نابرابر در میان جمعیت توزیع شده‌اند. وقتی که چنین توزیع نابرابر سیستماتیکی به‌طور منظم بین گروه‌های مختلف اتفاق می‌افتد، به مشکل اجتماعی تبدیل می‌شود (Dickard, 2012: 19).

در طول سال‌های گذشته، ساختارهای فضایی شهر مورد توجه و علاقه پژوهندگان این حوزه بوده است. این موضوع یکی از قدیم‌ترین و مهم‌ترین خطوط اصلی مطالعات شهری است که در سال‌های اخیر نیز به آن توجه دوباره شده است (Wu Et al., 2014: 109). شهرها همچون فضاهای گوناگون اجتماعی و فضاهای تقسیم‌شده اقتصادی به‌شدت و اغلب به‌شیوه‌های کاملاً آشکار موجب بروز مباحث تفاوت و جدایی می‌شوند. شهرها آن‌گونه که دیوید هاروی آن را شهری شدن بی‌عدالتی<sup>1</sup> نظام‌مند می‌نامید، الگوهای نابرابر اقتصادی و اجتماعی را بازتولید می‌کنند (تانکیس، 1388: 88) و می‌توان گفت نابرابری اجتماعی در فضای شهری اساساً حاصل دسترسی افتراقی نواحی شهر به منابع ارزشمند اجتماعی همچون ثروت مادی، قدرت، منزلت و سرمایه فرهنگی است (یوسفی و ورشوئی، 1389).

شهرهای نفت‌خیز با توجه به نقش و کارکردشان با مشکلات مختلفی، از جمله ناهماهنگی یا عدم تعادل در ساختار فضایی، اقتصادی و اجتماعی شهر روبه‌رویند؛ به‌طوری که به دو بخش

---

1. urbanization of injustice

فقیر و غنی تقسیم می‌شوند که یکی از دو بخش در شرایط بهتری در مقایسه با دیگری قرار دارد. این دو بخش در کنار هم ساختار فضایی، اقتصادی و اجتماعی شهر را می‌سازند، حالت نامتجانس و غیرهمگن به نظام شهری می‌دهند و به‌نوعی عدالت اجتماعی و توسعه پایدار شهری را به خطر می‌اندازند (پوراحمد، زیاری و محمدی، 1389: 22-23). شهر اهواز مرکز استان خوزستان و شهرستان اهواز است که یکی از کلان‌شهرهای ایران محسوب می‌شود. این شهر در سال‌های اخیر، به‌دلایل گوناگون از جمله اکتشاف و استخراج نفت، گسترش فعالیت‌های صنعتی، جنگ و... با افزایش جمعیتی و رشد کالبدی روزافزونی روبه‌رو بوده است. براساس آخرین سرشماری کشور در سال 1390، جمعیت این شهر 1/064/177 نفر اعلام شده است. بررسی روند تحولات جمعیتی اهواز تغییرات فزاینده و چشم‌گیری را نشان می‌دهد؛ به‌طوری که جمعیت این شهر طی یک دوره 55ساله (از سال 1335 - 1390) 8/86 برابر شده است. از سویی، این شهر دارای حدود 400 هزار نفر جمعیت حاشیه‌نشین است. این رقم بیش از 35 درصد جمعیت کل شهر بوده و بین کلان‌شهرهای ایران بحرانی‌ترین وضعیت را دارد (مانپور و ظریفی، 1391: 1). بنابراین، طی تحولات دهه‌های اخیر و ورود گروه‌های اجتماعی مختلف به شهر، زمینه ایجاد نابرابری اجتماعی در آن فراهم شده است. بر این اساس، در این پژوهش نابرابری اجتماعی در محله‌های منتخب در شهر اهواز بررسی شده است.

## 2- مبانی نظری

منظور از برابری این است که افراد از فرصت‌های یکسان برخوردار باشند تا زندگی دل‌خواهی داشته باشند. از نظر بنیادی، برابری مکمل تلاش انسان‌ها برای رفاه بلندمدت است (راپلی، 1388: 10). جامعه برابر از قابلیت‌های ارزشمند برابری محافظت می‌کند و آن‌ها را بهبود می‌بخشد؛ چنان‌که افراد آزادند به‌گونه‌ای زندگی کنند که خود انتخاب می‌کنند و آن را ارزشمند می‌دانند. جامعه برابر نیازها، موقعیت‌ها و اهداف گوناگون افراد را تشخیص می‌دهد و در پی توسعه قابلیت‌های افراد از راه از بین بردن تبعیض و تعصب است؛ همچنین کنترل اوضاع اقتصادی، سیاسی، قانونی، اجتماعی و فیزیکی را که پیش‌رفت افراد را مختل و آزادی ذاتی آن‌ها را محدود می‌کند، به‌دست می‌گیرد (Burchardt & Vizard, 2007: 7). در تعریفی دیگر،



نابرابری اجتماعی ساختاری از شرایط مساعد و نامساعد در فرصت‌های زندگی افراد و خانواده‌ها (سلامت، خشنودی، درآمد، ثروت، فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی و...) است که به‌طور چشم‌گیری به‌وسیله موقعیت و مشخصات اجتماعی و اقتصادی (وضعیت بازار کار، طبقه اجتماعی، آموزش، جنسیت، قومیت، سن و تابعیت)، دیگر مکانیسم‌های مهم توزیعی (شبکه‌های اجتماعی، فساد، نهادها و سیاست‌های دولتی) و ویژگی‌های ملی (توسعه اقتصادی و سیاسی) شکل گرفته است (Whitefield & Wittrock, 2009: 6). دارندورف در مورد انواع نابرابری می‌گوید: باید بین نابرابری‌ها دست‌کم از دو جنبه تفاوت قائل شویم: اول تمایز بین نابرابری در قابلیت‌های طبیعی و نابرابری در موقعیت‌های اجتماعی؛ دوم تمایز بین نابرابری‌هایی که موجب هیچ‌گونه رتبه‌بندی ارزشی بین افراد نمی‌شوند و نابرابری‌هایی که شامل این ویژگی هستند. اگر این دو رویکرد را ترکیب کنیم، چهار نوع نابرابری پدید می‌آید. دو مورد اول فردی است: الف. تفاوت‌های طبیعی از نوع ویژگی‌ها، صفات و علایق؛ ب. تفاوت‌های طبیعی در هوش، استعداد و نیرو. دو مورد دیگر نیز در ارتباط با جامعه است: ج. تفاوت در موقعیت‌های اجتماعی که براساس مراتب یکسانی دارند؛ د. قشربندی اجتماعی مبتنی بر شهرت و ثروت که در مرتبه‌بندی پایگاه اجتماعی نمایان می‌شود (Dahrendorf, 1968: 19). منظور از عدالت فضایی (در شهر)، توزیع عادلانه نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و خدمات شهری در میان محله‌های مختلف شهر است؛ به‌طوری که هیچ محله‌ای بر محله دیگر از نظر برخورداری از مزیت‌های فضایی، برتری نداشته باشد و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد (حاتمی‌نژاد، 1380: 8).

## 2-1- دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره نابرابری اجتماعی

دانشمندان علوم اجتماعی با معیارهای گوناگون و ملاک‌های متعدد، به طبقه‌بندی و نظریه‌پردازی در مورد قشربندی پرداخته‌اند. در این طبقه‌بندی، ابعاد متعددی برای این اندیشمندان اهمیت داشته و براساس آن‌ها به تقسیم‌بندی نظریات پرداخته‌اند (ربانی و انصاری، 1388: 19).

نظریات نابرابری اجتماعی در دوره معاصر را می‌توان در سه دیدگاه فکری گنجانند: 1. دیدگاه کارکردی: از بررسی‌های دورکیم سرچشمه گرفته است؛ 2. دیدگاه برخوردی: از

تحقیقات مارکس برآمده است؛ 3. دیدگاه ترکیب‌گرایی: ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، بنیان‌گذار آن بوده است (کمالی، 1385: 1).

## 2-2- کارکردگرایان

منظور از کارکرد<sup>1</sup> کارویژه هریک از عناصر تشکیل‌دهنده اجتماع در کل نظام اجتماعی است؛ به طوری که هر عنصر نیازی را در نظام اجتماعی برطرف کند و در بقا و تداوم ساخت آن کل سهم و مشارکتی داشته باشد. نام این مکتب «کارکردگرایی» است (توحیدفام، 1379: 173). براساس این نگرش، هر نظام اجتماعی کل واحدی است که عناصر آن (قشرها، طبقات و گروه‌ها) بر مبنای ارتباطی که با یکدیگر دارند و نقشی که در کل نظام ایفا می‌کنند، موجب تداوم موجودیت و کلیت آن نظام می‌شوند. در این نگرش علت قشربندی اجتماعی در تمام جوامع، نیاز آن‌ها به تقسیم کار اجتماعی و اقتصادی است. از آنجا که همه فعالیت‌های اجتماعی از ارزش یا اهمیت یکسانی در حفظ موجودیت سیستم برخوردار نیستند، نابرابری‌های موجود میان قشرها و طبقات نیز دارای کارکرد هستند و برای حفظ سیستم ضروری‌اند. بر این اساس، در نگرش فونکسونالیستی کلاسیک، هر اقدامی برای تغییر موقعیت و نقش گروه‌ها و طبقات و به عبارت دیگر، هر عملی برای دگرگونی اجتماعی بنیادی، اقدامی جهت اختلال در کارکرد معمول کل نظام تلقی شده و زیان‌بار ارزیابی می‌شود (ملک، 1388: 62). نظریه‌پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی بودن و همیشگی بودن نابرابری نتیجه می‌گیرند که نابرابری وجه اساسی هر سازمان اجتماعی به‌شمار می‌رود و ضرورتی است کارکردی که در جهت کارکرد مؤثر جامعه ایفای نقش می‌کند (افروغ، 1376: 202).

## 2-3- نظریه رادیکال (قدرت یا برخورد)

خلاف نظر کارکردگرایان - که نابرابری را از دیدگاه کل جامعه تحلیل می‌کنند - نظریه‌پردازان رادیکالی این مسئله را از دیدگاه افراد و گروه‌ها در درون جامعه می‌کاوند. اینان معتقدند نیازها و خواسته‌های فردی و گروهی نابرابری‌های اجتماعی را موجب می‌شود، نه نیازهای جامعه. رادیکال‌ها و نظریه‌پردازان تضادگرا، نابرابری‌های اجتماعی را ناشی از نزاع برای تصرف کالاهای محدود می‌دانند. آنان به‌عکس کارکردگرایان - که بر منافع مشترک اعضای جامعه تأکید

---

1. function



می‌کنند - بر منافی که افراد و گروه‌ها را از هم مجزا می‌کند، تأکید دارند. همچنین، رادیکال‌ها برخلاف کارکردگرایان - که بر فواید همگانی و مشترک ناشی از نابرابری‌های اجتماعی توجه می‌کنند - بر تسلط گروه‌ها و افراد بر گروه‌های دیگر جامعه و استعمار آن‌ها توجه می‌کنند (فراهانی، 1380: 102). روت والاس این رویکرد را به دو سنت انتقادی و تحلیلی تقسیم می‌کند (افروغ، 1377: 179). در اندیشه مارکس (بنیان‌گذار سنت انتقادی) مالکیت خصوصی و تقسیم کار ناشی از تحول در نیروهای تولید و دستیابی به مازاد تولید، عامل اصلی قشربندی و نابرابری اجتماعی است. بنابراین از دیدگاه مارکس، تفاوت در رتبه اجتماعی و مالکیت، منزلت و درآمد فقط نتیجه ثانوی تمایز و تفکیک اجتماعی است (افروغ، 1376: 211).

#### 2-4- نظریه تلفیقی

برخی جامعه‌شناسان بر این باورند که در بیان قشربندی اجتماعی باید از چندین سنجه استفاده کرد. به عقیده آنان، مکتب‌های پیشین در اساس همه صحیح بوده و هرکدام بخشی از واقعیت‌ها را بیان کرده‌اند. اما جوامع به‌اندازه‌ای پیچیده شده‌اند که باید ترکیبی از اصول را برای قشربندی اجتماعی به کار برد (نهایزی‌زاده، 1377: 63). برخلاف مارکس، تحلیل ماکس وبر از قشربندی اجتماعی در تلاش برای تنظیم یک «تحلیل تاریخی» از توسعه اجتماعی ریشه نداشت؛ درحالی که به اتفاق مارکس، وبر استدلال می‌کرد که قشربندی طبقاتی یک بعد روشن و مهم اقتصادی دارد. وی معتقد بود لازم است دو بعد دیگر قشربندی اجتماعی به نام‌های پایگاه و حزب (یا قدرت سیاسی) برای دستیابی به تحلیل و درکی کامل از تنوع اجتماعی شکل‌های مختلف قشربندی اجتماعی در نظر گرفته شوند. به عقیده وبر، توانایی کسب قدرت از توانایی فردی برای کنترل منابع اجتماعی گوناگون ناشی می‌شود. این منابع ممکن است هرچیزی باشد یا شامل چیزهایی مثل زمین، سرمایه، احترام اجتماعی، توانایی جسمی، دانش فکری و... باشد (Livesey, 2012: 3). از دیدگاه وبر، وجود نابرابری بدون وجود قبلی قدرت، سلطه و انضباط قابل تصور نیست (زاهدی‌مازندرانی، 1386: 205). گفتنی است که نظریه تلفیقی همان سنت تحلیلی رویکرد قدرت است.

#### 2-5- نظریه عدالت اجتماعی در شهر

از اواخر دهه 1960 مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی وارد ادبیات جغرافیایی می‌شود و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکتب‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. دیوید هاروی اولین جغرافی‌دانی

بود که در کتاب *پرازش خود: عدالت اجتماعی و شهر مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار گرفت. در واقع، هاروی با طرح وابستگی میان نابرابری‌های اجتماعی و ساختارهای فضای جغرافیایی، بنیان‌گذار جغرافیای انسانی نو به‌شمار می‌رود (شکوئی، 1386: 141). اهمیت موضوعات عدالت اجتماعی در شهرها سال‌هاست که در آثار هاروی محل بحث است (Ballas, 47: 2013). هاروی بر آن است که شهرها در سیر تحول خود، گرایشی ناگزیر به سوی ایجاد خشونت و تعارض درون خود دارند. این تعارض در آن واحد هم به دلیل نابرابری میان قشرهای اجتماعی به وجود می‌آید و هم به سبب نابرابری میان مناطق مختلف زیستی بر اثر توسعه و توزیع نابرابر ثروت در آن‌ها. به عقیده هاروی، یگانه راه چاره، ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است (فکوهی، 1390: 219). هاروی در تعریف عدالت می‌گوید عدالت را اساساً می‌توان به‌عنوان اصل (یا مجموعه‌ای از اصول) در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. عدالت اجتماعی نیز در واقع، کاربرد خاص این اصول برای فائق آمدن بر تعارضاتی است که لازمه همکاری اجتماعی برای ترقی افراد است. تولید را از راه تقسیم کار می‌توان افزایش داد؛ اما مسئله این است که حاصل تولید چگونه بین افرادی که در فرایند تولید شرکت کرده‌اند، توزیع شود. در این مورد، اصول عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم نتایج تولید و توزیع مسئولیت‌ها در فرایند کار جمعی باشد (هاروی، 1379: 97). از نظر دیوید هاروی، ماهیت عدالت اجتماعی به کمک سه معیار بیان می‌شود: معیار نیاز، منفعت عمومی و استحقاق (همان، 101). هاروی معتقد است عدالت اجتماعی باید دربرگیرنده عدالت توزیعی و تخصیصی باشد؛ زیرا نمی‌توان منفعت عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیعی و تخصیصی در نظر گرفت. بنابراین، هرگونه برنامه‌ریزی شهری که مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باشد، باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آن‌ها مؤثر باشد (کریمیان بستانی و رجبی، 1389: 93). در نظر دیوید هاروی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و فضایی با مرحله جدید سرمایه‌داری - رژیم انباشت انعطاف‌پذیر - مرتبط است. زمانی که توان یک رژیم تحلیل رود، رژیم جدید، فرم‌های جدیدی از انباشت سرمایه ایجاد می‌کند. از زمانی که رقابت سرمایه‌داری برای توسعه مداوم فضاها و سرزمین‌های جدید به‌عنوان نیروهای تولید فراخوانده شد، توسعه جغرافیایی نابرابر ویژگی سرمایه‌داری به‌عنوان یک سیستم تاریخی بوده است*



(Harvey, 1989). در رژیم انباشت اخیر، شهرها جایگاهی مهم دارند و در آنجاست که نابرابری‌های اجتماعی و فضایی به سرعت افزایش می‌یابد (Cassiers & Kesteloot, 2012: 1911). جدایی‌گزینی مسکونی در شهر سرمایه‌داری به معنای دست‌رسی متفاوت به منابع کم‌یاب ضروری برای تصرف ظرفیت بازار است. برای مثال، دست‌رسی متفاوت به فرصت‌های آموزشی، انتقال بین‌نسلی ظرفیت بازار را تسهیل می‌کند و نوعاً به محدودیت فرصت‌های تحرک رهنمون می‌شود. فرصت‌ها را می‌توان طوری ساختار بندی کرد که نیروی کار یقه‌سفید در واحدهای همسایگی یقه‌آبی‌ها بازتولید شوند و برعکس (هاروی، 1387: 179). از آنجایی که شهرنشینی به سرعت در حال رخ دادن است و تحولات اقتصادی ساختار اقتصاد را تغییر می‌دهند، کسانی که نمی‌توانند خود را با این فرایندها سازگار کنند، متضرر خواهند شد. بنابراین، وقتی که افزایش رفاه و نابرابری آشکار با خشونت همراه می‌شود، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تمام نواحی جغرافیایی را متأثر می‌کند (Grant, 2010: 3).

### 3- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی - نظری و از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتاب‌خانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در روش میدانی از مشاهده و ابزار پرسش‌نامه بهره برده شده است. جامعه آماری این پژوهش سرپرستان خانوار ساکن در سه محله شهرک نفت، گلستان و حصیرآباد بوده است. در انتخاب این محله‌ها، جدایی‌گزینی شهرهای نفت‌خیز و گونه‌بندی اساسی کانون‌های زیستی در شهر اهواز لحاظ شده است؛ به این معنا که شهرک نفت به‌عنوان نمونه‌ای از محله‌های حاصل از فعالیت‌های صنعت نفت که با تمام امکانات براساس نیاز شرکت‌های بزرگ نفتی، جهت تأمین رفاه کارکنان این شرکت‌ها به وجود آمده، انتخاب شده است. در برابر چنین مجموعه برنامه‌ریزی‌شده‌ای، محله‌های حاشیه‌نشین فراوانی نیز در شهر اهواز وجود دارد؛ از جمله محله حصیرآباد که به‌عنوان یکی از محله‌های بزرگ و کهن در این پژوهش انتخاب شده است. گلستان یکی از محله‌هایی است که از نظر اقتصادی و اجتماعی در سطح متوسط است؛ بنابراین به‌عنوان نمونه‌ای از محله‌های متوسط شهر و حد وسط دو محله دیگر در نظر گرفته شده است.



حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، و تعداد پرسش‌نامه‌های هر محله با توجه به تعداد خانوارهای ساکن در آن محله برآورد شده است. با توجه به اینکه تعداد خانوار ساکن در سه محله 12 هزار خانوار است، از طریق فرمول کوکران حجم نمونه، 373 تعیین شد و برای افزایش دقت در این امر، 400 پرسش‌نامه در سه محله توزیع شد. از این تعداد، 55 پرسش‌نامه به شهرک نفت، 165 پرسش‌نامه به گلستان و 180 پرسش‌نامه به حصیرآباد تعلق گرفت که به‌طور تصادفی در بین سرپرستان خانوارها توزیع شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ای از نرم‌افزار Spss و جهت تحلیل‌های فضایی از نرم‌افزار GIS استفاده شده است. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ به‌کار رفته که میزان آن 0,9 به‌دست آمده است. به‌منظور دستیابی به اهداف و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، از آزمون‌های تحلیل واریانس، T و هم‌بستگی استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی نابرابری اجتماعی از چهار متغیر استفاده شده است (جدول 1). در انتخاب این متغیرها بیشتر جنبه‌های اجتماعی نابرابری مورد نظر بوده است.

جدول 1 شاخص‌ها و متغیرهای منتخب برای سنجش نابرابری

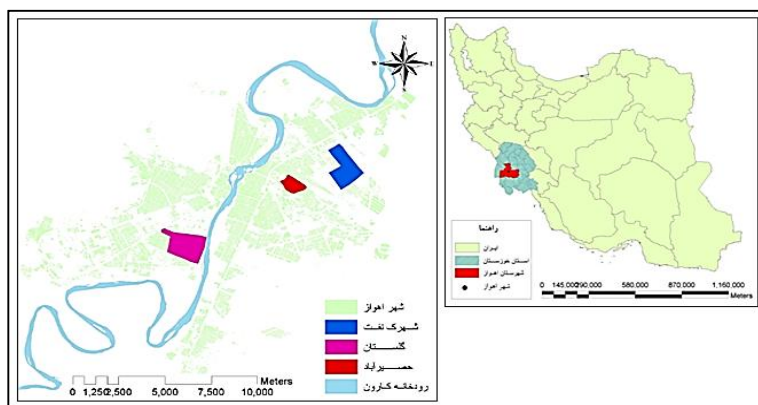
طبقة اجتماعی و اقتصادی	شیوة زندگی	فرصت‌ها و مزایای اجتماعی	دست‌رسی به خدمات
پایگاه اقتصادی	کیفیت تغذیه	توانایی انتخاب شغل	دست‌رسی به انواع خدمات شهری
پایگاه اجتماعی	امنیت محله	توانایی انتخاب محله	(فرهنگی، بهداشتی، آموزشی، اداری، فضای سبز، آتش‌نشانی، حمل‌ونقل عمومی، بانک)
پایگاه شغلی	مشارکت در گروه‌های اجتماعی	ارتباط با قشرهای بالاتر اجتماع	
	احساس تعلق	توانایی استفاده از بهترین خدمات (بهداشتی، آموزشی، فرهنگی، ورزشی)	
	رضایت از زندگی	توانایی ارتباط با مسئولان و مدیران	
	وضعیت سلامت و...		

(منبع: نگارندگان)

#### 4- معرفی محدوده مطالعه

شهر اهواز مرکز استان خوزستان و شهرستان اهواز است که از نظر جغرافیایی، در 31 درجه و 20 دقیقه عرض شمالی و 48 درجه و 40 دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (سازمان جغرافیایی

نیروهای مسلح، 1384:3). شهرک نفت محل سکونت کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب است. این محدوده در ناحیه 3 و منطقه 3 شهرداری و در جنوب فرودگاه بین‌المللی اهواز و شرق زیتون واقع شده است (www.Ahvaz.ir). شهرک نفت دارای حدود 6000 نفر جمعیت است و با 359,709 هکتار مساحت، دومین محله شهر اهواز از نظر وسعت است. همچنین، با تراکم 16 نفر در هکتار پنجمین محله از نظر کمترین میزان تراکم است (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری اهواز، 1392:14 و 21). محله گلستان در منطقه 4 شهرداری واقع شده است. این محله با حدود 23000 نفر جمعیت پنجمین محله شهر اهواز از نظر جمعیت و با 236,243 هکتار مساحت پنجمین محله از نظر وسعت است. تراکم محله گلستان 94 نفر در هکتار است (همان، 14 و 24). محله حصیرآباد 101,088 هکتار مساحت، حدود 25,000 نفر جمعیت و 247 نفر در هکتار تراکم جمعیتی دارد. محله نام‌برده در منطقه 7 شهرداری و در نیمه شرقی شهر اهواز واقع شده است (همان، 33). حصیرآباد از شمال به کوی آل صافی، از غرب و جنوب غربی به منازل چهارصد دستگاه و از شرق و جنوب شرقی به محله منبع آب محدود می‌شود. این ناحیه روی تپه‌هایی قرار گرفته که بهترین منظرگاه شهری و مکانی مناسب برای عرضه بهترین چشم‌انداز به شهر است. اما استقرار سکونتگاه‌های بی‌ضابطه باعث شده این تپه‌ها منظره ناخوشایندی برای شهر ایجاد کند (سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان، 1385:2). در شکل شماره یک، موقعیت این سه محله در شهر اهواز مشاهده می‌شود.



شکل 1 موقعیت محله‌های مورد مطالعه  
(منبع: نگارندگان)

## 5- یافته‌های پژوهش

### 5-1- یافته‌های جمعیت‌شناختی و توصیفی

براساس نتایج پرسش‌نامه، در شهرک نفت 100 درصد، در گلستان 97/6 درصد و در حصیرآباد 97/8 درصد از پاسخ‌گویان (سرپرستان خانوار) مرد بوده‌اند. میانگین سنی پاسخ‌گویان در شهرک نفت 49 سال، در گلستان 39 سال و در حصیرآباد 44 سال بوده است. در شهرک نفت 100 درصد، در گلستان 92/7 درصد و در حصیرآباد 95/6 درصد از پاسخ‌گویان متأهل بوده‌اند. از نظر تحصیلات، 100 درصد پاسخ‌گویان در شهرک نفت دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده‌اند؛ در محله گلستان، 61/2 درصد تحصیلات ابتدایی تا فوق دیپلم و حدود 39 درصد تحصیلات لیسانس و بالاتر داشته‌اند؛ در محله حصیرآباد نیز 18 درصد بی‌سواد بوده‌اند، 54 درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، 24 درصد دیپلم و فوق دیپلم و 3 درصد تحصیلات لیسانس داشته‌اند. از نظر میزان درآمد، در شهرک نفت حدود 15 درصد پاسخ‌گویان درآمدی بین 1 تا 2 میلیون و حدود 84 درصد درآمدی بیشتر از 2 میلیون داشته‌اند؛ در محله گلستان درآمد حدود 35 درصد بیش از 1 میلیون، حدود 27 درصد پاسخ‌گویان 700 هزار تا 1 میلیون و درآمد حدود 38 درصد کمتر از 700 هزار تومان بوده است؛ در محله حصیرآباد فقط 4 درصد پاسخ‌گویان درآمد بین 1 تا 2 میلیون و 6 درصد درآمد 700 هزار تا 1 میلیون داشته‌اند، حدود 38 درصد درآمد بین 500 تا 700 هزار و حدود 52 درصد نیز درآمدی بین 200 تا 500 هزار داشته‌اند.

یکی از معیارهای مطرح‌شده در بحث نابرابری‌های اجتماعی، قومیت است. سکونت براساس قومیت به شکل‌گیری محله‌هایی منجر می‌شود که ساکنان آن پایگاه قومی یکسانی دارند و تاحدودی از لحاظ فرهنگ و شیوه زندگی با سایر محلات متفاوت هستند. در جدول شماره دو تنوع قومی سه محله مشاهده می‌شود.

جدول 2 تنوع قومیتی در سه محله مورد بررسی

حصیرآباد		گلستان		شهرک نفت		محله
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
41	22,8	47	28/5	23	41/8	فارس
14	7/8	33	20	15	27/3	لر
116	64/4	62	37/6	12	21/8	عرب
9	5	23	13/9	5	9/1	سایر

(منبع: نتایج پرسشنامه)

### 5-2- یافته‌های استنباطی

برای سنجش نابرابری در محله‌های منتخب از چهار متغیر استفاده شده است. هر متغیر شامل چند گویه است که میزان هر متغیر از میانگین این گویه‌ها به دست آمده است. متغیر پایگاه اجتماعی شامل هشت گویه، متغیر شیوه زندگی هجده گویه، متغیر دسترسی نه گویه و متغیر مزایای اجتماعی شامل ده گویه است. با توجه به اینکه گردآوری داده‌ها از طریق طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (عدد 1 نشان‌دهنده کمترین ارزش و عدد 5 بیشترین ارزش است) صورت گرفته است، عدد 3 حد وسط در نظر گرفته و میانگین هر شاخص با این عدد مقایسه می‌شود. به این منظور، از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شده که نتایج آن برای هر محله در جدول‌هایی آمده است. با توجه به نوع سؤالات، چنانچه میانگین از عدد سه بیشتر باشد، به این معناست که مقدار شاخص مورد نظر در آن محله بیشتر است.

### 5-2-1- ارزیابی شاخص‌های پژوهش در محله شهرک نفت

نتایج آزمون T برای بررسی اختلاف بین میانگین شاخص‌ها و حد متوسط در شهرک نفت در جدول شماره سه آمده است. برپایه این یافته‌ها، این اختلاف برای تمام متغیرها معنادار است. در این میان، متغیر فرصت‌های اجتماعی با میانگین 4/09 دارای بیشترین امتیاز است.

جدول 3 آزمون T برای بررسی شاخص‌های پژوهش در شهرک نفت

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری	اختلاف میانگین
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	3/75	0/43	12/81	0/000	0/75
فرصت‌ها و مزایای اجتماعی	4/09	0/39	20/33	0/000	1/09
شیوه زندگی	3/3	0/38	6/56	0/000	0/34
دست‌رسی	4/3	0/57	17/23	0/000	1/33
میانگین کل	3/88	/32	20	0/000	/88

(منبع: محاسبات نگارندگان)

### 5-2-2- ارزیابی شاخص‌های پژوهش در محله گلستان

بررسی نتایج آزمون T برای محله گلستان (جدول 4) حاکی از آن است که متغیرها میانگینی نزدیک به حد متوسط دارند؛ همچنین بررسی سطح معناداری نشان می‌دهد که تمام اختلاف‌ها معنادارند.

جدول 4 آزمون T برای بررسی شاخص‌های پژوهش در محله گلستان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری	اختلاف میانگین
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	2/82	0/65	- 3/43	0/001	- 0/17
فرصت‌ها و مزایای اجتماعی	2/77	0/74	- 3/88	0/000	- 0/22
شیوه زندگی	2/93	0/39	- 2/25	0/026	- 0/06
دست‌رسی	3/26	0/72	4/7	0/000	0/26
میانگین کل	2/9	/47	-1/39	/16	-/05

(منبع: محاسبات نگارندگان)

### 5-2-3- ارزیابی شاخص‌های پژوهش در محله حصیرآباد

همان‌طور که در جدول شماره پنج مشاهده می‌شود، در محله حصیرآباد میانگین همه متغیرهای مورد بررسی کمتر از حد متوسط است و این اختلاف درمورد تمام متغیرها معنادار است. در این میان، متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دارای کمترین میانگین (1/9) و تقریباً با متغیر فرصت‌های اجتماعی (1/96) برابر است.

جدول 5 آزمون T برای بررسی شاخص‌های پژوهش در محله حصارآباد

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری	اختلاف میانگین
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	1/9	0/47	- 31/13	0/000	- 1/09
فرصت‌ها و مزایای اجتماعی	1/96	0/72	- 19/12	0/000	- 1/03
شیوه زندگی	2/6	0/45	- 9/47	0/000	- 0/31
دست‌رسی	2/6	0/65	- 7/76	0/000	- 0/37
میانگین کل	2/2	38/	-24/7	0/000	-/7

(منبع: محاسبات نگارندگان)

به‌منظور بررسی هم‌بستگی بین متغیرها با توجه به نوع داده‌ها، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. براساس جدول شماره شش، بین تمام متغیرها هم‌بستگی مثبت وجود دارد. بیشترین هم‌بستگی بین دو متغیر فرصت‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی (75 درصد) مشاهده می‌شود. این موضوع بیانگر آن است که به‌تبع اختلاف در پایگاه اجتماعی در جامعه، فرصت‌های اجتماعی نیز به‌طور نابرابری توزیع شده‌اند. کمترین هم‌بستگی نیز بین دو متغیر دست‌رسی و شیوه زندگی وجود دارد.

جدول 6 هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

		دست‌رسی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	فرصت‌های اجتماعی	شیوه زندگی
دست‌رسی	Pearson Correlation	1	**/530	**/664	**/450
	Sig. (2-tailed)		0/0000	0/000	0/000
	N	400	400	400	400
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	Pearson Correlation	**/530	1	**/755	**/528
	Sig. (2-tailed)	0/000		0/000	0/000
	N	400	400	400	400
فرصت‌های اجتماعی	Pearson Correlation	**/664	**/755	1	**/640
	Sig. (2-tailed)	0/000	0/000		0/000
	N	400	400	400	400
شیوه زندگی	Pearson Correlation	**/450	**/528	**/640	1
	Sig. (2-tailed)	0/000	0/000	0/000	
	N	400	400	400	400

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

(منبع: نگارندگان)

#### 4-2-5 اختلاف سه محله در شاخص نابرابری اجتماعی

برای بررسی وجود نابرابری اجتماعی و معناداری اختلاف میانگین بین سه محله، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شده است. نتایج این آزمون را در جدول زیر ببینید.

جدول 7 آزمون تحلیل واریانس برای بررسی نابرابری اجتماعی در سه محله مورد مطالعه

نابرابری اجتماعی	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	sig
بین گروه‌ها	114/215	2	57/1	327/28	0/000
درون گروه‌ها	69/2	397	0/174		
مجموع	183/4	399			

(منبع: محاسبات نگارندگان)

بر اساس نتایج جدول شماره هفت، اختلاف میانگین سه محله مورد بررسی از نظر شاخص نابرابری اجتماعی معنادار است؛ به این معنا که حداقل دو محله از سه محله مورد مطالعه، از نظر متغیرهای اجتماعی نابرابرند. برای بررسی بیشتر این نابرابری، از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده که نتایج آن در جدول هشت آمده است.

جدول 8 آزمون تعقیبی شفه

محله (i)	محله (j)	اختلاف میانگین (I-j)	خطای استاندارد	Sig
شهرک نفت	گلستان	*0/932	0/065	0/000
	حصیرآباد	*1/589	0/064	0/000
گلستان	شهرک نفت	*- 0/932	0/065	0/000
	حصیرآباد	* 0/656	0/045	0/000
حصیرآباد	شهرک نفت	*- 1/589	0/064	0/000
	گلستان	*- 0/656	0/045	0/000

(منبع: محاسبات نگارندگان)

ناهد سجادیان و همکاران \_\_\_\_\_ تحلیل نابرابری اجتماعی براساس متغیرهای...

طبق نتایج جدول شماره هشت، بیشترین نابرابری با اختلاف میانگین  $1/54$  بین دو محله شهرک نفت و حصیرآباد و کمترین اختلاف بین دو محله گلستان و حصیرآباد با اختلاف میانگین  $0/66$  وجود دارد.

### 3-5- تحلیل فضایی نابرابری

در این بخش، به منظور نمایش تفاوت بین سه محله منتخب، با انتخاب چند شاخص، نسبت برخورداری هر محله از طریق نرم افزار GIS بررسی شده و نتایج به صورت نقشه‌های مجزا برای هر محله بیان شده است. در این مرحله، براساس نظر کارشناسان، از طریق مدل Fuzzy AHP، به هر شاخص وزنی تعلق گرفت. در جدول شماره نه، وزن هریک از شاخص‌ها آمده است.

جدول 9 وزن نهایی هر شاخص با استفاده از FAHP

وزن	شاخص	
0/195	فرهنگی - ورزشی	
0/191	بیمارستان	بهداشتی درمانی
0/041	مرکز بهداشت	
0/043	داروخانه	
0/173	فضای سبز	
0/189	آموزشی	
0/015	مؤسسات مالی (بانک)	
0/031	خدماتی	
0/001	جایگاه عرضه سوخت	
0/122	آتش نشانی	

(منبع: محاسبات نگارندگان)

با اعمال وزن‌های به دست آمده در لایه‌ها و ترکیب آن‌ها، برای هر محله نقشه‌ای تولید شده است. در این نقشه‌ها هر محله در پنج گروه طبقه‌بندی شده است که هر طبقه یک پهنه



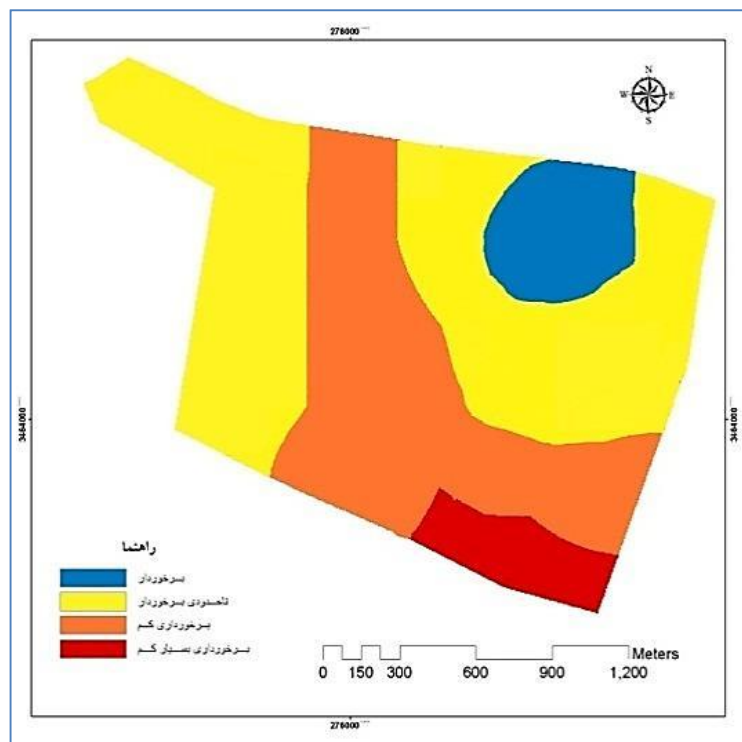
برخورداری را دربرمی‌گیرد. از آنجا که محدوده امتیازات در سه محله بین 6,7-1 بوده، این طبقه‌بندی در جدول شماره ده دیده می‌شود.

جدول 10 سطح‌بندی محله‌ها از نظر برخورداری براساس مجموع امتیازات

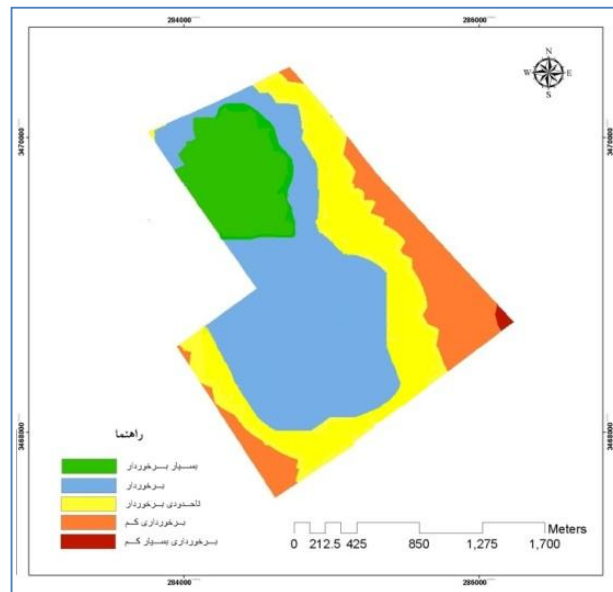
امتیاز	1-2	2-3/7	3/7-4/7	4/7-5/7	5/7-6/7
سطح برخورداری	کم	کم	تاحدودی برخوردار	برخوردار	بسیار برخوردار

(منبع: نگارندگان)

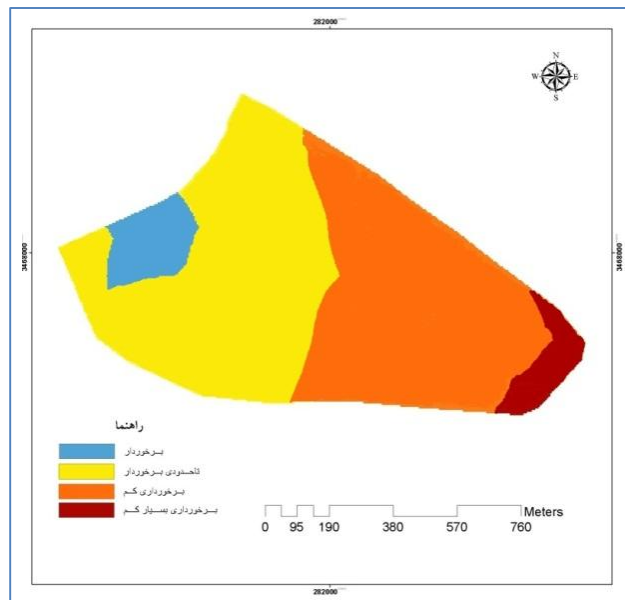
شکل‌های شماره دو، سه و چهار نشان‌دهنده نقشه‌های به‌دست‌آمده از اعمال وزن شاخص‌ها در محله‌های منتخب است.



شکل 2 سطح‌بندی شهرک نفت از نظر برخورداری از مجموع شاخص‌ها



شکل 3 سطح‌بندی محله گلستان از نظر برخورداری از مجموع شاخص‌ها



شکل 4 سطح‌بندی محله گلستان از نظر برخورداری از مجموع شاخص‌ها

برای نشان دادن تفاوت سطوح برخورداری سه محله، درصد مساحتی که هریک از پهنه‌ها از کل مساحت محله دارند، محاسبه شده است. نتایج این محاسبه در جدول شماره یازده مشاهده می‌شود.

جدول 11 سطوح برخورداری محله‌ها از شاخص‌های منتخب

حصیرآباد	گلستان	شهرک نفت	محله برخورداری
9/4 درصد	6/4 درصد	0/3 درصد	برخورداری بسیار کم
47/8 درصد	34 درصد	15/2 درصد	برخورداری کم
36/2 درصد	47/4 درصد	27/8 درصد	تاحدودی برخوردار
6/6 درصد	12/2 درصد	42/5 درصد	برخوردار
0	0	14 درصد	بسیار برخوردار

(منبع: محاسبات نگارندگان)

طبق تعریف، عدالت فضایی در شهر توزیع عادلانه نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و خدمات شهری در میان محله‌های مختلف است؛ به طوری که هیچ محله‌ای از نظر برخورداری از مزیت‌های فضایی بر محله دیگر برتری نداشته باشد و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد. با مقایسه این تعریف با نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که بین محله‌های مورد بررسی بی‌عدالتی فضایی وجود دارد.

## 6- بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، با انتخاب سه محله از محله‌های شهر اهواز و با گزینش معیارهای اجتماعی نابرابری، این سه محله از نظر نابرابری سنجش شده است. تفاوت این تحقیق با سایر مطالعات، معیارهای منتخب آن بوده است. پرسش اصلی تحقیق این است که آیا افراد با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت و شیوه‌های مختلف زندگی در محله‌های مختلف شهر، به‌طور نابرابر به خدمات شهری دسترسی دارند. به‌منظور پاسخ به این پرسش، به کمک چارچوب نظری و مفاهیم پژوهش، شاخص‌ها و متغیرهایی را برای سنجش نابرابری طرح شد و در ادامه



پرسش‌نامه‌ای طرح و در بین ساکنان سه محله توزیع شد. براساس تحلیل داده‌های اولیه از طریق آزمون‌های آماری T و تحلیل واریانس، وجود نابرابری اجتماعی بین سه محله تأیید شد. بررسی نتایج آزمون T در سه محله نشان می‌دهد شهرک نفت در تمام متغیرها میانگینی بیشتر از حد متوسط دارد، میانگین شاخص‌ها در محله گلستان اندکی کمتر و تقریباً نزدیک به حد متوسط است و در محله حصیرآباد این میانگین‌ها فاصله بیشتری با حد متوسط دارند که به معنای سطح پایین‌تر شاخص‌های مختلف در مقایسه با دو محله دیگر است. برای بررسی ارتباط بین متغیرها نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که براساس نتایج آن بیشترین همبستگی بین دو متغیر فرصت‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی (75 درصد) مشاهده می‌شود. سه محله مورد نظر از نظر تفاوت میانگین، با آزمون تحلیل واریانس بررسی شدند. نتایج این آزمون با سطح معناداری 0/0 حاکی از این است که بین سه محله از لحاظ میانگین متغیرهای مختلف، اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین، با انتخاب چند شاخص، از طریق GIS و مدل AHP Fuzzy به تحلیل فضایی امکانات سه محله پرداخته شد و سطوح برخورداری هر محله در قالب نقشه و جدول ارائه شد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد 14 درصد از مساحت شهرک نفت در سطح بسیار برخوردار قرار دارد؛ درحالی که این سطح در دو محله گلستان و حصیرآباد وجود ندارد. در مجموع، 84/3 درصد از مساحت شهرک نفت در سطح بسیار برخوردار، برخوردار و تاحدودی برخوردار قرار دارد. این مقدار برای محله گلستان و حصیرآباد به ترتیب 59/6 درصد و 42/8 درصد است. همچنین، برپایه نتایج، 15/5 درصد از مساحت شهرک نفت، 40/4 درصد مساحت گلستان و 57/2 درصد مساحت حصیرآباد در سطح برخوردار کم و بسیار کم قرار دارد. بنابراین در پاسخ به پرسش مطرح شده می‌توان گفت چنانچه ساکنان محله از پایگاه اجتماعی و اقتصادی نامطلوبی بهره‌مند باشند، شیوه زندگی متفاوتی داشته باشند و از مزایای اجتماعی کمتری برخوردار باشند، خدمات‌رسانی به آن محله کیفیت نامناسب‌تری دارد و در نتیجه افراد آن محله در مقایسه با محلات دیگر دسترسی کمتری به خدمات شهری خواهند داشت. کشف و استخراج نفت در شهر اهواز موجب ایجاد مجموعه‌ها و محله‌های مسکونی مدرن از جمله شهرک نفت شد که تقریباً تمام تأسیسات و تجهیزات شهری از جمله بیمارستان، باشگاه، تأسیسات برق، آب شرب و... را در خود جای داده‌اند. در ساخت و طراحی این مجموعه‌ها، معمولاً از الگوهای اروپایی

پیروی شده است. قرار گرفتن این شهرک مسکونی مدرن در برابر محله‌های حاشیه‌نشین که به‌طور خودرو و کاملاً بی‌برنامه ایجاد شده و گسترش یافته‌اند، تضاد کالبدی فاحشی را در شهر به نمایش گذاشته است. تفکیک کارکنان مشاغل گوناگون در شهر اهواز شرایط را برای قشریندی اجتماعی فراهم کرده است. جداسازی محله‌های مسکونی و زیستی کارکنان شرکت نفت و امتیازات صنفی در نظر گرفته شده برای این قشر از جامعه از پهنه‌های وسیع کانون‌های زیستی برنامه‌ریزی نشده، موجب بروز نابرابری اجتماعی شده است. بر این اساس، نتایج این تحقیق همچون پژوهش‌های دیگر وجود نابرابری و بی‌عدالتی در زمینه توزیع منابع حیاتی و مورد نیاز افراد در محلات مختلف شهر را تأیید می‌کند. با بررسی چارچوب نظری موضوع تحقیق و مراجعه به آرای صاحب‌نظران این حوزه از جمله دیوید هاروی دریافت می‌شود که هرگونه برنامه‌ریزی در سطوح کلان و برنامه‌ریزی شهری در سطح خرد چنانچه در پی گام برداشتن در راه رسیدن به عدالت اجتماعی باشد، باید به معیارهای عدالت توزیعی و تخصیصی توجه کند؛ به این معنا که در ابتدا باید شرایط دسترسی آسان و یکسان برای تمام قشرهای شهر را فراهم کند و از هرگونه تفکیک و اختصاص امتیازات ویژه براساس معیارهایی از قبیل قومیت، درآمد، شغل و... پرهیز شود.

در ادامه، به‌منظور نمایاندن تفاوت‌های سه محله منتخب مورد بررسی، تصاویر آن‌ها ارائه شده است.



نمایی از مساکن و فضای سبز در شهرک نفت



تصاویری از محله گلستان



نماهایی از محله حاشیه‌نشین حصیرآباد

## 7- منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، حمیدرضا وارثی و محمود اکبری، «نقش مهاجرت‌های روستایی در اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: متروپل اهواز)»، پژوهش‌های روستایی، ش 1، 1389.

- افروغ، عماد، فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1376.
- افروغ، عماد، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، 1377.
- امان‌پور، سعید و کوبک ظریفی، «ابعاد اقتصادی حاشیه‌نشینی در شهر اهواز» در چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، 1391.
- پوراحمد، احمد، کرامت‌اله زیاری و روح‌الله محمدی، «الگوی توزیع فضایی کاربری‌های شهری در شهرهای نفت‌خیز (مطالعه موردی شهر دوگنبدان)»، تحقیقات جغرافیایی، ش 96، 1389.
- تانکیس، فرن، فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1388.
- توحدفام، محمد، «موانع توسعه فرهنگی در ایران: براساس رهیافت‌های متفاوت توسعه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش 49، 1379.
- حاتمی‌نژاد، حسین، شهر و عدالت اجتماعی: ناهمگونی‌های فضایی در محلات شهر مشهد، رساله دکتری، دانشگاه شهیدبهبشتی، تهران، 1380.
- حاتمی‌نژاد، حسین، «تحولات جمعیتی شهرهای خوزستان»، علوم جغرافیایی، ش 1، 1385.
- حاتمی‌نژاد، حسین، رحمت‌الله فرهودی و مرتضی محمد پورجباری، «تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری، مورد مطالعه: شهر اسفراین»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش 65، 1387.
- راپلی، جان، جهانی شدن و نابرابری: سیر نزولی نولیبرالیسم، ترجمه پرویز قاسمی و آریتا گل‌زاده، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ربانی، رسول و ابراهیم انصاری، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، چ 2 (مشترک)، انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، 1388.
- ژرژ، پیر، جهان نابرابر، جغرافیای نابرابری‌ها، ترجمه فروزان خزانسی، مشهد: نشر نیکا، 1370.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان خوزستان، شهرستان اهواز، 1384.



- سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان، مطالعات اسکان غیررسمی و توانمندسازی محلات شهر اهواز، معاونت پژوهشی دانشگاه شهیدچمران اهواز، 1385.
- سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان، مطالعات طرح جامع ناحیه مرکزی خوزستان، مهندسین مشاور پژوهش و عمران، 1388.
- سجادیان، ناهید، «بررسی میزان تأثیر نوسازی و بهسازی بر بازار مسکن و اکولوژی اجتماعی بافت فرسوده عامری اهواز» در اولین همایش بافت‌های فرسوده شهری، چشم‌انداز توسعه پایدار، ارزش‌ها و چالش‌ها، اهواز، 1387.
- شریفی، عبدالنبی، عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران، 1385.
- شکوئی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج 1، چ 9، تهران: گیتاشناسی، 1386.
- طهماسبی، فردین، خلیل میرزایی و فریدون کامران، «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، س 4، ش 14، 1391.
- فکوهی، ناصر، انسان‌شناسی شهری، چ 7، تهران: نشر نی، 1390.
- کرمی، تاج‌الدین، نابرابری فضایی در فرایند گسترش کالبدی شهر (مورد: شهر تهران)، رساله دکتری، دانشگاه تربیت‌معلم، تهران، 1390.
- کریمی‌پور، یدالله و کوثر کریمی‌پور، «عرب‌های خوزستان: واگرایی و همگرایی»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش 52، 1384.
- کریمیان بستانی، مریم و آذیتا رجبی، «تحلیل عدالت اجتماعی در شهر با تأکید بر نابرابری‌های آموزشی، مورد شناسی: شهر زاهدان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، س 7، ش 26، 1389.
- کمالی، علی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی، تهران: سمت، 1385.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، نابرابری و قشریندی اجتماعی، چ 2، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، 1377.
- مرصوصی، نفیسه، تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1382.



- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری اهواز، خلاصه گزارش طرح پژوهشی تعیین حدود محلات، 1392.
- ملک، حسن، جامعه شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، چ 4، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، 1388.
- میرکتولی، جعفر و رضا منافی آذر، درآمدی به اقتصاد فضا، گرگان: انتشارات دانشگاه گلستان، 1388.
- هاروی، دیوید، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چ 2، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، 1379.
- هاروی، دیوید، شهری شدن سرمایه، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: اختران، 1387.
- یوسفی، علی و سمیه ورشوئی، «نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر»، مطالعات اجتماعی ایران، د 4، ش 4، 1389.
- Amanpour, S. & K. Zarifi, "Economic aspects of Marginalization in Ahvaz" in 4<sup>th</sup> Urban Planning and Management Conference, 2012. [in Persian]
- Armed Forces Geographical Organization, *Gazetteer villages Khuzestan*, Ahvaz city, 2006. [in Persian]
- Ballas, D., "What Makes a 'Happy City'?", *Cities*, Vol. 32, Supplement 1, 2013.
- Burchardt, T. & P. Vizard, *Definition of equality and framework for measurement: Final Recommendations of the Equalities Review Steering Group on Measurement*, London: Crown, 2007.
- Cassiers, T. & Ch. Kesteloot, "Socio-spatial Inequalities and Social Cohesion in European Cities", *Urban Studies Journal*, No. 49 (9), 2012.
- Dickard, M.A., *Digital Inequality: Exploring the Potential of Online Learning Communities to Promote Digital Skills and Citizenship among College Students*, Master thesis of Ohio university, 2012.
- Emad, A. *Space and Social Inequality*, Tehran: Published Tarbiat Modares University, 1999. [in Persian]

- Emad, A., *Space and Social Inequality: Offering a Model for Spatial Segregation and Its Consequences*, Doctorate Dissertation, Tarbiat Modares University, 1998. [in Persian]
- Fokuhi, N., *Urban Anthropology*, Tehran: Ney, 2011. [in Persian]
- George, P., *Unequal World: The Geography of Inequality*, F. Khazaeni (Trans.), Mashhad: Nika, 1992. [in Persian]
- Grant, U., *Spatial Inequality and Urban Poverty Traps*, Overseas Development Institute, 2010.
- Harvey, D., *Social Justice and the City*, F. Hesamian, M.R. Haeri & B. Monadi Zadeh (Trans.), company of processing and urban planning, 2000. [in Persian]
- Harvey, D., *The Urbanization of Capital*, A. Aghvami Moghadam (Trans.), Tehran: Akhtaran, 2008. [in Persian]
- Harvey, D., *the Condition of Postmodernity*, Oxford: Blackwell, 1989.
- Hatami Negad, H., *City and Social justice: Spatial Heterogeneity in Mashhad city*, Doctorate dissertation, Shahid Beheshti University, Tehran: 2002. [in Persian]
- Hatami Nejad, H., "Population Changes in the Cities of Khuzestan province", *Journal of Geographical Science, No. 1*, 2006. [in Persian]
- Hatami Nejad, H., R. Farhoudi & M. Mohammad Pourjaberi, "Analysis of Social Inequality in Prosperity of Urban Services Land Uses", *Human geography research, No. 65*, 2008. [in Persian]
- Ibrahimzadeh, I., H.R. Varesi & M. Akbari, "The Role of Rural Migration in Informal Habitat (Case Study: Ahvaz Metropolitan)", *Journal of Rural Research, No. 1*, 2011. [in Persian]
- Kamali, A., *an Introduction on Sociology of Social Inequality*, Tehran: SAMT, 2006. [in Persian]
- Karami, T., *Spatial Inequality in the Physical Development of the City*, Doctorate dissertation, Tarbiat moalem University, 2011. [in Persian]
- Karimi Pour, Y. & K. Karimi Pour, "Arabs of Khuzestan: Divergence and Convergence", *geography research, No. 52*, 2005. [in Persian]

- Karimian, M. & A. Rajabi, "Analysis of Social justice in the City by Focus on Inequality of Education (Case study; City of Zahedan)", *journal of territory*, No. 26, 2010. [in Persian]
- Lahsaei Zadeh, A., *Social Inequality and Stratification*, Shiraz: Shiraz University, 1998. [in Persian]
- Livesely, Ch., "Social Inequality Theories: Marxism, sociology central", 2012, [www.sociology.org.uk](http://www.sociology.org.uk).
- Malek, H., *Sociology of Social Classes and Inequalities*, 4<sup>th</sup> Ed., Tehran: Payam Noor University, 2009. [in Persian]
- Marsousi, N., *Spatial Analysis of Social Justice in Tehran*, Doctorate dissertation, Tarbiat Modares University, 2003. [in Persian]
- Mir Katouli, J. & R. Manafi Azar, *An Introduction to Economics Space*, Golestan University, 2009. [in Persian]
- Pour Ahmad, A., K. Ziari & R. Mohamadi, "Special Distribution Pattern of Urban Land Use in the Oil-bearing Cities Case study: Dogonbadan", *Geographical Research*, No. 96, 2010. [in Persian]
- Rabani, R. & E. Ansari, *sociology of stratum and social inequalities*, SAMT and Isfahan University, 2010. [in Persian]
- Rapley, J., *Globalization and Inequality*, P. Ghasemi & A. Golzadeh, Parliament Research Center, 2009. [in Persian]
- Sajadian, N., "Evaluation of the impact of Modernization and Improvement on the Housing market and the Social Ecology Distressed areas Ameri Ahvaz" in *1<sup>st</sup> Conference on Regeneration and Revitalization of Urban Distressed Areas*, 2008. [in Persian]
- Shakuie, Hossein, *New trends philosophy of geography*, Vol. 1, Ed. 9, Tehran: Gitashenasi, 2007. [in Persian]
- Sharifi, A., *Social Justice city and: analysis of regional inequalities in Ahvaz*, Doctorate dissertation, Tehran University, 2006. [in Persian]

- Tahmasbi, F., Kh. Mirzaei & F. Kamran, "Social factors affecting on feeling of social inequality and its consequences in Tehran city", *Journal of Social Research*, No. 14, 2012. [in Persian]
- Tohidfam, M., "Barriers to Cultural Development in Iran: Based on Different Approaches to Development", *Law and Political Science*, No. 49, 2004. [in Persian]
- Tonkiss, F., *Spaces, the City and Social Theory*, H.R. Parsi & A. Aflatouni (Trans.), Tehran: Published by Tehran University, 2010. [in Persian]
- Urban and Housing Organization of Khuzestan province, *studies of master plan of the central region of Khuzestan*, Consulting Engineers of Research and Development, 2010. [in Persian]
- Urban and Housing Organization of Khuzestan province, *studies of informal settlements and neighborhoods empowerment in Ahvaz*, Vice Chancellor for Research of Shahid Chamran University, 2007. [in Persian]
- Vice for planning and development of Ahvaz municipality, *a summary of a research project to determine the neighborhood*, 2013. [in Persian]
- Wu, Q. Et al., "Socio-spatial differentiation and residential segregation in the Chinese city based on the 2000 community-level census data", *Cities*, Vol. 39, 2014.
- Yusufi, A., Varshoei, Somayeh, 2011, "Social inequality in urban space of Mashhad: an estimate of income and education inequality in the areas of city", *journal of social studies of Iran*, No. 4, 2011. [in Persian]
- [www.Ahvaz.ir](http://www.Ahvaz.ir).